

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در خانواده‌های تهرانی

زهرا فریبرز^۱

باقر ساروخانی^۲

زهرا حضرتی صومعه^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در زوجین کاربر در شهر تهران انجام گرفته است. در این پژوهش سعی شده است با مبنا قرار دادن نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز و استفاده از رویکرد ترکیبی، الگویی نظری تحلیلی پیرامون متغیرهای تأثیرگذار در این رابطه ارائه شود. روش انجام پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنین متأهل در سطح شهر تهران می‌باشد و نمونه مورد مطالعه شامل ۴۰۳ نفر از متأهلینی است که به فضای مجازی دسترسی داشته‌اند که برای انتخاب این تعداد، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای استفاده شد. در تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار متناظر با آن AMOS استفاده گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است بین متغیر مستقل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیر وابسته تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ لیکن اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق متغیرهای واسطه صمیمیت، از خودبیگانگی، دین‌داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی تأثیرگذار و دارای رابطه‌ای معنادار است که از این بین، متغیر صمیمیت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)، دارای بیش‌ترین مقدار ضریب تأثیر می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از آزمون برازندگی مدل نظری تحقیق نشان داد مدل ساختاری ارائه شده، مدل مناسبی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، اعتیاد اینترنتی، تعارضات زناشویی، صمیمیت.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

b.saroukhani@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

اغلب جامعه‌شناسان و کارشناسان رسانه بر این باورند که ظهور اینترنت و رسانه‌های نوین ارتباطی منجر به تحول شگرفی در معادلات اجتماعی و معرفتی جهان گردیده است؛ به نحوی که ورود به دنیای مجازی، به افراد فرصت تجربه شکل خاصی از ارتباطات اجتماعی را داده که در آن، حضور اجتماعی واقعی وجود ندارد. در اینترنت و فضای مجازی ارزش‌های اجتماعی جدیدی ارائه می‌شود که منحصر به گروه‌ها و اجتماعات مجازی است (مولایی، ۱۳۹۱: ۱۳۹). شبکه‌های اجتماعی^۱ مجازی، نسل جدیدی از وب‌سایت‌های اینترنتی هستند که در آن‌ها کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی دور یکدیگر جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. جاذبه‌های موجود در شبکه‌های مجازی ممکن است به استفاده بیش از حد از آن بینجامد، فرآیندی که منجر به ایجاد آسیب اعتیاد به اینترنت خواهد شد. در صورت ابتلا به اعتیاد اینترنتی، این اعتقاد وجود دارد که سرگرمی‌های مجازی و فناوری‌های نوین، عموماً به تقلیل سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماع‌ها و گروه‌های آشنا به اجتماع‌های شبکه‌ای، گرایش به آموزش موزاییکی (به‌ویژه در جوانان)، قطعه‌قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و در نتیجه توده‌وارسازی می‌انجامد (ذکایی، ۱۳۸۳: ۳). بر این مبنا از آثار این شبکه‌های مجازی، نفوذ به مرزهای فرهنگی و اجتماعی است. هنگامی که مهم‌ترین منبع هویت‌یابی سنتی، متزلزل و نسبی شود، افراد وابسته به آن منبع، دچار بحران هویت و معنا^۲ می‌شوند (پترسون، ۱۹۹۹: ۷۹، به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). تحلیل‌های جامعه‌شناختی و پژوهش‌های تجربی بیانگر این است که با ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از عناصر دنیای مدرن، علاوه بر حوزه‌های فردی و اجتماعی، خانواده نیز در معرض تغییر و تحولات شگرفی قرار گرفته است. رونالد اینگلهارت معتقد است اشاعه رسانه‌های جمعی، به تغییر ارزش‌های نسلی در خانواده منجر شده است (یوسفی، ۱۳۹۲: ۲۱۹). امروزه، به نحو آشکاری الگوی «خانواده قدیمی»، دگرگون شده و «خانواده جدید» متولد شده است. ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر و تحولاتی که در فضای مجازی به‌وجود آمده است، بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است (رحیمی، و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۶). استفاده روزافزون اینترنت و فضای مجازی به تدریج فضای روانی و ارتباطی درون خانواده را خدشه‌دار می‌کنند و اعضای خانواده را به واگرایی سوق می‌دهد. در این صورت، اگرچه اعضای خانواده ظاهراً در یک فضای مشترک زندگی می‌کنند، اما تعامل عاطفی و سازنده‌ای با یکدیگر ندارند (گندمی، ۱۳۸۹: ۴۱). آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است نظام خانواده و روابط

1- Social Network

2- Crisis of identity and meaning

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

زناشویی را با تعارضات و مشکلاتی مواجه نماید که پدیده طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی یکی از مصادیق مرتبط با آن است. (پیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۵: ۸۴).

آنچه بدیهی به نظر می‌رسد آن است که در زمان گذشته، نهاد خانواده به‌عنوان تنها نهاد کارگزار جامعه‌پذیری افراد محسوب می‌شد، اما با توجه به تغییرات صورت گرفته و رشد فن‌آوری و بروز پدیده‌ی نوظهوری چون اینترنت، ماهواره، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، شاهد پیدایش رقبای جدیدی در کنار خانواده در امر جامعه‌پذیری افراد هستیم (نعیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان مرتبط با تلفن‌های همراه هوشمند با خدمات مصنوعی که در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند، موجب تأثیرگذاری بیشتر بر روی زندگی آن‌ها، جامعه و رفتارهای اجتماعی می‌شوند. در نتیجه افراد خانواده به‌جای ارتباط با یکدیگر که به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر می‌شود با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند ارتباطی که بار عاطفی ندارد. به تعبیر فوکویاما به‌دلیل محدودیت اخلاق و کیفیت زندگی امروزی به‌تدریج شاهد یک فروپاشی بزرگ خواهیم بود و این فروپاشی بیشتر در زمینه خانواده‌ها اتفاق خواهد افتاد (گنجی، نیازی و ملک‌پور شهرکی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

این واقعیت محض را همه احساس و درک می‌کنند که نهاد خانواده جامعه شهری امروز ایران به‌ویژه شهر تهران در حال تغییر است. آمارهای رسمی نشان از درگیری بیش از پیش خانواده‌ها با تکنولوژی‌های ارتباطی در ایران دارند به‌نحوی که در دورافتاده‌ترین نقاط ایران هم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی امری بدیهی به‌حساب می‌آید اما تفاوتی که مصرف رسانه‌ای کلان شهرها با سایر نقاط دارد در میزان زمانی است که افراد به استفاده از این رسانه‌ها اختصاص می‌دهند و نیز اموری که تنها از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت یا موبایل میسر می‌گردد. امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن ساعتی از وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نکند و رفتار و افکارشان تحت تأثیر آن قرار نگیرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی بخش اعظم زمان زوجین جوان را به خود اختصاص داده و به‌دلیل گستردگی و ناشناخته ماندن آن آسیب‌های اجتماعی چندی را بر خانواده‌ها وارد کرده است. بنابراین شناخت عواملی که سبب تغییر و اختلال در کارکردهای خانواده و بروز تعارضات زناشویی^۱ شده‌اند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (شکریگی، ۱۳۹۶: ۱۲۳). از سویی یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که از بین انواع مختلف رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی نوین در دو دهه اخیر، ماهواره و فضای مجازی، بیش از دیگران در بروز تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی نقش داشته‌اند؛ لیکن به‌دلیل ضعف سواد رسانه‌ای در کشور، جامعه و خانواده ایرانی به شکل مضاعفی در معرض آسیب‌های

1- Marital Conflict

نوپدید حاصل از این رسانه‌ها قرار گرفته است. خانواده ایرانی، از جمله مهم‌ترین کانون‌هایی است که فضای مجازی، ساختار سنتی آن را تغییر داده است (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵: ۴). از این رو به نظر می‌رسد اعتیاد و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت روابط زوجین و شکل‌گیری تعارضات زناشویی تأثیرگذار است. پیرامون تأثیرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زناشویی نیز پژوهش‌هایی به انجام رسیده است:

جلالی و حاجی اربابی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه اعتیاد به اینترنت با تعارضات زناشویی» با استفاده از روش تحلیل رگرسیونی نشان دادند که اعتیاد به اینترنت می‌تواند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند به این معنی که با افزایش اعتیاد به اینترنت تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه اعتیاد به اینترنت توان پیش‌بینی تعارضات زناشویی را دارا می‌باشد. گنجی، نیازی و شهرکی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهرکرد» به بررسی و تبیین رابطه میان اعتیاد به وسایل ارتباطی نوین و از هم گسیختگی خانوادگی با استفاده از متغیرهای واسط پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی و تمایل به دوستی خارج از چهارچوب خانواده، گرایش به غرب، تضعیف ارزش‌ها و کاهش دین‌داری، افزایش احساس بیگانگی اجتماعی و بی‌هویتی در جامعه رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و با افزایش هر یک از متغیرهای واسط فوق، میزان از هم گسیختگی خانوادگی افزایش می‌یابد. اسکندری و درودی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی» نشان دادند که با افزایش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حسب ساعت، تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق افزایش می‌یابد. نتیجه کلی این پژوهش حاکی از آن است که هرچه میزان وابستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، کیفیت روابط زن و شوهر به‌طور معناداری پایین‌تر است. شکرپیگی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران» نشان داده است که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیر مستقل) و متغیرهای وابسته چون طلاق عاطفی، ناسازگاری هویتی، اباحه‌گری عملی، نارضایتی از زندگی زناشویی و ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند رابطه معناداری وجود دارد. آزمون نیکویی برازش مدل نظری نیز نشانگر آن است که در مجموع نیمی از تحولات در روابط زناشویی زوجین بستگی به مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد. رضاپور و همکاران (۱۳۹۶) در یک طرح پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی زوجین استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی پرداختند. یافته‌ها نشان داد بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار و با خودشیفتگی و تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

هم‌چنین بین تعارض زناشویی با خودشیفتگی رابطه مثبت معنادار و با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج کلی حاکی از آن است شبکه‌های اجتماعی با تأثیرات منفی روی روابط زوجین و احساس آن‌ها نسبت به یکدیگر و از سویی دیگر با تقویت خودشیفتگی، باعث مشکلات ارتباطی مختلف و کاهش احساس‌های مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و تعارضات زناشویی می‌شود. نخشی‌پور و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه» به بررسی رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین کلیه مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه پرداختند. نتایج پژوهش نشان دادند بین میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری و رضایت زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه رابطه منفی و معنی‌داری دارد.

در مطالعات خارج از ایران نیز در بیش‌تر تحقیقات، به آسیب‌شناسی استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بر کیفیت روابط خانوادگی و میزان رضایت زناشویی زوجین پرداخته شده است. روجویی^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش زوجین نسبت به تعارض زناشویی (در رومانی)» نشان داد که شبکه‌های اجتماعی، منبعی برای فشار اجتماعی بر زوج‌های جوان است؛ هم در انتقال ارزش‌ها و هم در تحمیل ارزش‌ها، در اصول زندگی، الگوهای رفتاری و تغییر رفتارها و نگرش‌هایی که نامطلوب هستند. هند و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «فیس‌بوک و روابط عاشقانه: صمیمیت و رضایت در زوجین کاربر شبکه‌های مجازی آنلاین»، متغیر صمیمیت را به‌عنوان متغیر واسطه استفاده از شبکه‌های مجازی آنلاین و متغیر رضایت زناشویی عنوان کرده‌اند. ون لی و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «عوامل خانوادگی در اعتیاد اینترنتی در جوانان چینی» نشان دادند که اعتیاد اینترنتی در جوانان چینی گرایش رو به رشدی دارد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و رفتارهای روانی، اجتماعی و روان‌شناختی با استفاده از اینترنت و اعتیاد اینترنتی در ارتباط‌اند. همچنین جوانانی که دارای اعتیاد اینترنتی می‌باشند دارای خانواده‌های نامنسجم و ناسازگاری می‌باشند به‌صورتی که در این قبیل خانواده‌ها تعارضات بین زوجین و بین والدین و فرزندان بیشتر و از سویی آمار طلاق در این خانواده‌ها بیشتر است. مک دانیل و کوئن^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی دخالت تکنولوژی در روابط زوجین و پیامدهای این مداخلات در روابط خصوصی زنان پرداخته‌اند. یافته‌های

1- Rujoiu

2- Hand et al

3- Li et al

4- Mc Daniel & Coyne

آن‌ها نشان داد زنان متأهلی که بیشتر از تکنولوژی‌های نوین (فضای مجازی، تلفن‌های هوشمند و تلویزیون) استفاده می‌کنند، تعارض بیشتر و رضایت کمتری از روابط خود دارند. نتایج این بررسی نشان داده است که تأثیر مداخلات این فن‌آوری‌ها در زنان تحت بررسی منجر به وقفه در تعاملات زناشویی شده و این موضوع منجر به کاهش صمیمیت در زوجین می‌شود. دیو و تولان^۱ (۲۰۱۵) در یک تحقیق ملی با مطالعه ۱۳۶۸ زوج آمریکایی، به بررسی رابطه بین استفاده از رسانه‌های سرگرم‌کننده از یک‌سو و رضایت، تعارض و ادراک بی‌ثباتی ازدواج پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد استفاده از بازی‌های ویدیویی در زنان - از طریق موبایل، رایانه یا . . . به صورت آنلاین یا آفلاین - به‌طور مثبت با گزارش تعارضات زناشویی آنان و ادراک بی‌ثباتی ازدواج آنان رابطه دارد؛ در حالی که استفاده شوهران از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور مثبت با تعارضات زناشویی آنان و به‌طور منفی با رضایت زنان آن‌ها رابطه دارد. به‌عبارت دیگر، هر اندازه زنان بیش‌تر اهل بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی باشند، تعارضات زناشویی آن‌ها و ادراک آن‌ها از بی‌ثباتی زناشویی بیش‌تر است و هرچه مردان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر استفاده کنند، تعارضات زناشویی و نارضایتی بیشتر همسرانشان را به همراه دارد. لی و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میان زندگی پرتنش و اعتیاد اینترنتی در بالغین: با بررسی نقش میانجی نیازهای روان‌شناختی رضایت و نقش تعدیل‌کننده سبک‌های مقابله‌ای» نشان دادند؛ داشتن زندگی توأم با استرس در زوجین، دارای ارتباط مثبت و معنی‌داری با اعتیاد اینترنتی است. متغیر رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای و متغیر سبک مقابله نقش تعدیل‌کننده را در این رابطه دارد؛ بدین صورت زوجینی که دارای سطوح بالاتری از سبک‌های مقابله‌ای‌اند، این رابطه را تضعیف می‌نمایند. آیدن و همکاران^۳ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرآیند طلاق» با استفاده از مطالعه موردی به بررسی زوجینی پرداخته‌اند که به‌واسطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در روند طلاق قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که روش‌های مورد استفاده این همسران از شبکه‌های اجتماعی دارای تأثیر منفی بر روی زندگی زناشویی بوده است. همچنین با توجه به متغیرهای اجتماعی، رفتاری، عاطفی و روان‌شناختی مورد بررسی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در زوجین در معرض طلاق، متأثر از روابط درون خانوادگی می‌باشد. هینا گال و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر رفتار زوجین در خاورمیانه» نشان دادند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به موازات افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به تأثیر منفی بر روابط زوجین خواهد شد.

1- Dew, J & Tulane

2- Li et al

1- Aydın et al.

2- Hina Gull et al

مدلسازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

بی‌اعتمادی، انزوا و تنهایی و به اشتراک‌گذاری پست‌های نامناسب توسط همسران در فضای مجازی، از جمله عوامل اصلی شناخته می‌شوند که موجب تزلزل پایه‌های روابط زوجین می‌گردد.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت اغلب تحقیقات انجام شده با نگاه آسیب‌شناختی استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی انجام گرفته و به مواردی چون اعتیاد اینترنتی، بحران ارزش‌ها، وقفه در تعاملات خانوادگی، از خودبیگانگی، انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، تقلیل صمیمیت و رضایت زناشویی اشاره نموده است؛ در تحقیق حاضر علاوه بر توجه به جنبه‌های آسیب‌شناختی گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی، منشأ آسیب‌های اجتماعی را صرفاً به استفاده از فضای مجازی تقلیل نداده است بلکه سعی شده با تلفیق رویکردهای مختلف و ترکیب نظریات حوزه جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات، تبیین درست و مدلی مناسب، به‌منظور بررسی تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در شهر تهران فراهم آورد. لذا با توجه به پیشینه‌ی فوق، این تحقیق بدنبال پاسخگویی به این سؤال است که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه و تحت چه فرآیندی بر تعارضات زناشویی تأثیرگذار است؟ در ادامه و در تبیین پاسخ به سؤال مذکور، محقق از نظریات ذیل استفاده نموده است:

چارچوب نظری این تحقیق به‌صورت ترکیبی و مبتنی بر نظریه نظام اجتماعی^۱ و کارکردگرایی ساختی^۲ تالکوت پارسونز^۳ است؛ انگاره اصلی در این نظریه، ناظر بر کارکردها و فعالیت‌های ضروری برای حفظ جامعه یا گروه‌های اجتماعی است. همچنین با مینا قرار دادن این نظریه و در راستای تبیین موضوع و رسیدن به یک الگوی نظری منسجم، ترکیبی از دیدگاه‌ها و نظریات در دو حوزه جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات استفاده شده است.

پارسونز دو کارکرد اساسی برای خانواده (هسته‌ای) قائل شده است: ۱- کارکرد اجتماعی کردن کودکان ۲- کارکرد شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان، وی اشاره دارد که این دو کارکرد تنها در روابط صمیمی و محبت‌آمیز خانواده امکان‌پذیر است (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). کارکرد تثبیت شخصیت بزرگسالان که پارسونز با بهره‌گیری از اصول روانکاوی، آن را یکی از دو کارکرد مهم هر خانواده و بسان سپری در مواجهه فشارهای روانی روزمره دانسته است، فقط در شرایط عاطفی ایده‌آل میان زن و مرد به‌وجود آمده و باعث قوام و همبستگی زندگی زوجین می‌شود (بستان، ۱۳۸۹: ۲۳۰). به عقیده پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته و به نوعی متأثر از تکنولوژی‌های جدید، رسانه‌های مجازی و رواج و انتشار گسترده آن در جامعه شهری، خانواده تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به خانواده‌ای منزوی شده است و در عین حال سایر کارکردهای آن مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و

1- Society system Theory
2- Structural Functionalism
3- Talcott Parsons

تربیتی، خدماتی، محافظتی و ... نیز به نهادها و سازمان‌های اجتماعی دیگر واگذار شده است. در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است (سگالن، ۱۳۸۵: ۸۸). از این رو فرض نظری تحقیق آن است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی موجود در جامعه، خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا اینکه کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آن‌ها با چالش مواجه شده است. بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار در ایجاد ناهماهنگی و نابسامانی در خانواده و بروز تعارضات زناشویی، در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:

وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق^۱ خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. بر این اساس و طبق نظریه ایده‌آلیستی^۲ (تغییر در ارزش‌های فردی)، توسعه رسانه‌ها (مجازی) - به‌عنوان یکی از نمادهای ورود به جامعه مدرن و صنعتی - به انتشار یا اشاعه نظام ارزشی که خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف‌اند، کمک می‌نماید (مک کوئیل^۳، ۱۳۸۲). همچنین رسانه‌ها موجب پدیده «تحرک روانی» و نیز «بیگانگی عاطفی»^۴ می‌شوند (روشه، ۱۳۶۶). از نظر لرنر^۵ رسانه‌ها با افزایش سطح توقعات و انتظارات در پیام‌گیران، به تضعیف سنت‌ها و ارزش‌هایی که به‌عنوان مانع بر سر راه مدرنیسم قرار دارند، کمک می‌کنند (خجیر و حسین‌نظر، ۱۳۹۲: ۳۹۱). از این رو چنان‌چه زن یا مرد نتواند از لحاظ مادی و معیشتی خود را حفظ کند و یا این که در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست شده و تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد.

زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجهه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین‌شده برای آن بسیج کند. از مهم‌ترین اهداف خانواده، دستیابی به رضایت رابطه‌ای در زوجین است. براساس «نظریه صمیمیت»، پنج عنصر اصلی برای رسیدن به رضایت رابطه‌ای عبارتند از: ساختار زمان گذران وقت با یکدیگر، حمایت اجتماعی و خودافشایی، استراتژی‌های حل مسأله، شباهت زوجین، ادراکات زوجین (Mashek & Sherman, 2008: 344 به نقل از Sanderson, 2008: 250). از سویی بر اساس «نظریه وابستگی»، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل این که کاربر وقت بسیار زیادی را صرف استفاده از این رسانه می‌کند، تمام گفتگوهای خانوادگی، روابط عاطفی و صمیمیت را از

-
- 1- Adaptation
 - 2- Idealist Theory
 - 3- McCowail
 - 4- Emotional Alienation
 - 5- Daniel Lerner

دست می‌دهد و دیگر خود را با افراد خانواده بیگانه احساس می‌کند؛ بال روکیچ و دی فلور^۱ استدلال می‌کنند که هر قدر وابستگی مخاطب به یک پیام بیش‌تر باشد، میزان تأثیر رسانه بر رفتار و نگرش مخاطب نیز افزایش می‌یابد. در واقع این وابستگی در افراد نوعی انفعال و اعتیاد به‌وجود می‌آورد به‌گونه‌ای که نمی‌توانند در مقابل پیام، عکس‌العملی نشان دهند (سورین و تانکارد^۲، ۱۳۸۸). مواردی مانند فقدان صمیمیت، اعتماد و وقفه در تعاملات زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف مورد نظر دور کند. وقتی کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی در خانواده یکی پس از دیگری آسیب ببینند، اعضای آن به‌تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی در روابط زوجین منجر به گسست روانی و عاطفی در خانواده و افزایش تعارضات زناشویی است.

وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده^۳ دچار اختلال شود، این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند. در جریان گذار، افزایش ارتباطات و نفوذ اینترنت و تأثیر جهانی‌شدن، تغییرات قابل توجهی در طرز فکر افراد بروز پیدا کرده است. یکی از این تغییرات فرهنگی، فرآیند «بازاندیشی سنت» است که در بسیاری موارد به تغییرات ارزشی گسترده در حوزه خانواده و مناسبات آن انجامیده است. بازاندیشی در باب سنت و ارزش‌های پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است که با فرآیند جهانی‌شدن نیز تشدید شده است. به تعبیر گیدنز^۴، تضاد با سنت معادل مدرنیته است و این تضاد با فرآیند بازاندیشی^۵ حاصل می‌شود. در این دوره، تأیید عملکردها دیگر با ضمانت سنت کارایی نخواهند داشت (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). امروزه ازدواج، برخلاف گذشته که هدف بود، بیشتر وسیله است، وسیله‌ای برای رسیدن به خوشبختی و بهبود کیفیت زندگی. از این‌رو، هنجار غالب امروزی آن است که ازدواج ارضاکنده باشد نه این که بر اثر الزام اجتماعی و ضرورت‌های اقتصادی صورت گیرد و دوام یابد. از این‌رو، امروزه پایان دادن به ازدواجی که کارایی ندارد انتخاب شخصی بسیاری از افراد است (چیل، ۱۳۸۸: ۱۱۳). این وضعیت و بروز چنین تغییراتی نهاد خانواده و روابط زناشویی با تعارضاتی مضاعف روبرو ساخته است.

هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی^۶ خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند. کاستلز در «نظریه جامعه اطلاعاتی»^۷ معتقد است شبکه اینترنت و ارتباط به‌واسطه رایانه، امکان تغییر شکل تار و پود فرهنگ را فراهم می‌آورد (هیو و همکاران، ۱۳۸۶). از

-
- 1- Sandra Ball-Rokeach & Melvin Deflour
 - 2- Severin & Tankard
 - 3- Integration
 - 4- Anthony Giddens
 - 5- reflexivity
 - 6- pattern maintenance
 - 7- Theories Of The Information Society

سوی دیگر مطابق با «نظریه امپریالیسم فرهنگی»^۱، یکی از اهداف رسانه‌ها جایگزینی مفاهیم غربی و ارزش‌های جوامع سرمایه‌داری و محافل امپریالیستی، به‌جای ارزش‌های سنتی نظیر اعتقادات، ایمان و سبک زندگی است (خجیر و حسین‌نظر، ۱۳۹۲: ۳۹۳). هم‌چنین بر اساس «نظریه بحران ارزش‌ها»، در جوامع در حال گذار که در اثر تغییر و دگرگونی‌های سریع اجتماعی به‌وجود می‌آیند، ارزش‌های دیروز از محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی خارج می‌شوند و هر چقدر این تغییرات و تحولات سریع‌تر باشند، تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهند بود. در فرآیند بحران ارزش‌ها، جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار می‌گردد و انسان‌ها همه چیز را در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه می‌کنند. در چنین شرایطی که روابط انسانی از بعد معنوی تهی می‌شوند و بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده می‌گردند؛ روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش می‌یابد. (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۶). اودری^۲ کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش تعارضات زناشویی مؤثر می‌داند و به نقش دین به‌عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند (Udry, R, 1971: 456). از این رو کاهش دین‌داری می‌تواند از عوامل افزایش‌دهنده تعارضات زناشویی در خانواده باشد، به این معنا که دین‌داری و پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای بقای خانواده و حفظ الگوهای فرهنگی مناسب آن در زوجین فراهم سازد.

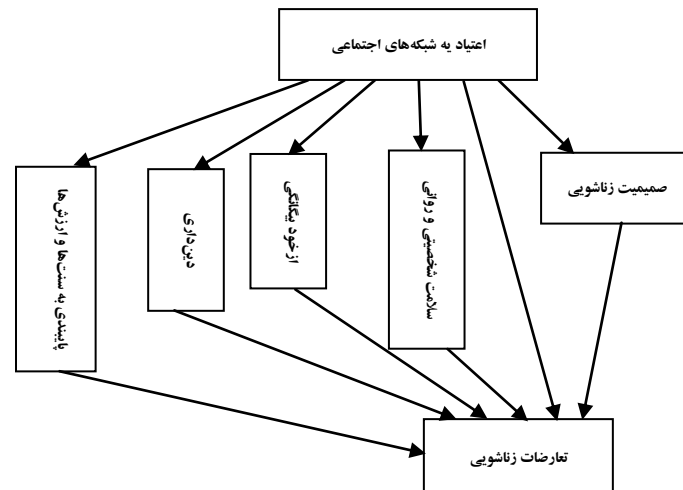
جدول (۱): نظریات اساسی و مورد استفاده در چارچوب نظری تحقیق

متغیرهای مستقل	نظریه	۱- سازگاری و انطباق	نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی ساختی پارسونز
از خوددینگانی	ایده آلیستی (لرنر)	۲- دستیابی به هدف	
اعتیاد اینترنتی، سلامت شخصیتی و روانی	نظریه وابستگی (بال روکیچ و دی فلور)	۳- یکگانه‌گی و انسجام خانواده	
صمیمیت زناشویی	نظریه صمیمیت (اولسون و همکاران)	۴- نظام الگوهای فرهنگی	
پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها	نظریه بازاندیشی (میدنز)	نظریه جامعه اطلاعاتی (کاستلز)	
دین‌داری	نظریه امپریالیسم فرهنگی (شیلر، ولز و منزلت)	نظریه بحران ارزش‌ها (سوروکین، کونن و اودری)	

براساس آن چه در نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز - به‌عنوان مبنای چارچوب نظری این تحقیق - و ترکیب نظریه‌های «ایده‌آلیستی»، «وابستگی»، «صمیمیت»، «بازاندیشی»، «جامعه اطلاعاتی»، «امپریالیسم فرهنگی» و «بحران ارزش‌ها» بیان گردید؛ الگوی عملی این پژوهش که شامل تأثیر متغیرهای واسط می‌باشد، به‌صورت ذیل قابل نمایش است:

- 1- Cultural imperialism
- 2- Udry

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .



شکل (۱): مدل نظری فرآیند تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی

مطابق با چارچوب نظری و الگوی فوق، فرضیه‌های زیر استخراج گردید:

- ۱- بین میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و پابندی زوجین به سنت‌ها و ارزش‌ها رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان پابندی زوجین به سنت‌ها و ارزش‌ها و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان دین‌داری در زوجین رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و احساس ازخود بیگانگی در زوجین رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان سلامت شخصیتی و روانی زوجین رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان سلامت شخصیتی و روانی زوجین و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین میزان سلامت شخصیتی و روانی زوجین و صمیمیت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین میزان سلامت شخصیتی و روانی زوجین و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین میزان سلامت شخصیتی و روانی زوجین و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

روش

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. جامعه آماری شامل کلیه ساکنین متأهل در سطح شهر تهران می‌باشند که بر اساس نتایج آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ تعداد این افراد ۶۲۸۴۴۲۲ نفر برآورد شده است. به منظور تعیین حجم نمونه، از فرمول «کوکران» که برای نمونه‌گیری معرف در جوامع بزرگ مطرح می‌شود، استفاده شده است. بر این اساس

۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه محاسبه شده است؛ لیکن به منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق، حجم نمونه به ۴۰۳ نفر (۲۴۹ زن و ۱۵۴ مرد) افزایش یافت. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای است. با استفاده از این شیوه نمونه‌گیری ابتدا مناطق بیست و دوگانه شهر تهران به لحاظ جغرافیایی به ۵ منطقه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شد. سپس از بین این مناطق به صورت تصادفی پنج منطقه انتخاب و به عنوان خوشه‌های جامعه آماری مشخص گردید. در مرحله بعد هر پرسشگر - در بلوک و کوچه انتخابی به صورت تصادفی - پرسشنامه‌ها را جهت تکمیل در اختیار کل خانواده‌هایی با زوج یا زوج با شرایط مورد نظر قرار داد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد؛ همچنین به منظور اندازه‌گیری و سنجش متغیرهای اصلی تحقیق، از پرسشنامه‌های استاندارد شده معتبر نیز الگوبرداری شده است. سؤالات پرسشنامه بر اساس نوع سؤال در سطوح مختلف اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای و سؤالات مرتبط با اندازه‌گیری متغیرهای اصلی با تکیه بر مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی شده است.

برای اعتبار ابزار تحقیق از دو روش استفاده شده است: (۱) سنجش اعتبار صوری: در این تحقیق روایی صوری به کمک دیدگاه‌های استادان راهنما و مشاور و متخصصان حوزه پژوهش به دست آمده است. (۲) اعتبار سازه: به منظور سنجش اعتبار سازه در این تحقیق، بارهای عاملی در مدل‌سازی با استفاده از نرم‌افزار AMOS گردآوری شده و در جدول زیر آورده شده است. از آنجا که تمامی بارهای عاملی بالاتر از ۳۰ درصد است، تمامی شاخص‌ها معتبر هستند.

جدول (۲): محاسبه اعتبار سازه مفاهیم تشکیل دهنده مدل نظری تحقیق

شاخص	شماره گویه	بار عاملی	شاخص	شماره گویه	بار عاملی
از خود بیگانگی	۴	۰/۴۳	۱۵۱امه تعارضات زناشویی	۱۱	۰/۷۶
	۳	۰/۷۹		۱۲	۰/۷۲
	۲	۰/۸۵		۱	۰/۹۱
	۱	۰/۶۵		۲	۰/۸۳
اعتیاد اینترنتی	۱	۰/۷۹	دین‌داری	۳	۰/۸۸
	۲	۰/۷۴		۴	۰/۸۲
	۳	۰/۷۰		۵	۰/۶۸
	۴	۰/۷۷		۵	۰/۶۰
سلامت روانی	۵	۰/۷۸	سلامت روانی	۴	۰/۶۵
	۶	۰/۶۹		۳	۰/۷۲
	۷	۰/۷۶		۲	۰/۵۹
	۸	۰/۸۰		۱	۰/۳۴
تعارضات زناشویی	۹	۰/۷۵	پای‌بندی به سنت‌ها	۱	۰/۷۳
	۱۰	۰/۷۴		۲	۰/۵۶
	۱	۰/۶۹		۳	۰/۷۶
	۲	۰/۷۶		۴	۰/۸۹
صمیمیت	۳	۰/۶۸	صمیمیت	۵	۰/۹۳
	۴	۰/۶۸		۶	۰/۷۵
	۵	۰/۵۳		۱	۰/۴۶
	۶	۰/۸۲		۲	۰/۶۳
	۷	۰/۶۷		۳	۰/۶۵
	۸	۰/۶۶		۴	۰/۶۰
۹	۰/۷۰	۵	۰/۷۱		
۱۰	۰/۷۷	۶	۰/۷۳		

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

به‌منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که پس از توزیع پرسشنامه در میان نمونه‌ی آماری و گردآوری داده‌ها، ضریب آلفای کرونباخ به‌صورت کلی و در ابعاد پژوهش بر طبق جدول شماره ۳ محاسبه گردید.

جدول (۳): محاسبه مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه و ابعاد آن

مقیاس‌ها	تعداد نمونه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
از خودبیگانگی	۴	۰.۷۲
دین‌داری	۵	۰.۷۵
اعتیاد اینترنتی	۱۰	۰.۸۱
سلامت روانی	۵	۰.۸۸
پایبندی به سنت‌ها	۶	۰.۸۲
تعارضات زناشویی	۱۲	۰.۷۹
صمیمیت	۶	۰.۸۶
کل پرسشنامه	۶۳	۰.۸۳

با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفا از 0.70 بالاتر است می‌توان گفت پرسشنامه در تمامی ابعاد، ابزار پایا بوده و مناسب تجزیه و تحلیل می‌باشد. همچنین به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ نتایج به‌دست آمده از توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که در تحقیق انجام شده، ۶۲ درصد پاسخگویان زن (۲۴۹ نفر) و ۳۸ درصد دیگر نیز مرد (۱۵۴ نفر) بوده‌اند. از نظر سنی، کم‌ترین فراوانی به پاسخگویان ۱۸ تا ۲۳ سال (کم‌تر از یک درصد) و بیش‌ترین فراوانی، به پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال (۴۸ درصد) تعلق داشت. در رابطه با طول زندگی مشترک، کم‌ترین فراوانی مربوط به زیر یکسال (۲ درصد) و بیش‌ترین فراوانی (۵۵ درصد) متعلق به پاسخ‌گويانی با بیش از شش سال زندگی مشترک بوده است. از نظر تعداد فرزند، بیش‌تر پاسخگویان یعنی ۴۴ درصد (۱۷۹ نفر) یک فرزند و کم‌تر از یک درصد (۲ نفر) نیز بیش‌تر از چهار فرزند داشتند. به‌لحاظ میزان تحصیلات، ۲ درصد (۱۰ نفر) پاسخگویان دیپلم و بیش‌تر پاسخگویان یعنی ۵۸ درصد (۲۳۵ نفر) فوق‌لیسانس و دکتری بودند. بر اساس وضعیت اشتغال، بیش‌تر پاسخگویان یعنی ۷۳ درصد (۲۹۶ نفر) کارمند معمولی بوده و کم‌تر از یک درصد پاسخگویان تاجر و یا بازنشسته بودند. از نظر میزان درآمد ماهیانه و وضعیت مالی، ۲ درصد پاسخگویان (۱۰ نفر) کمتر از دو میلیون تومان و بیشتر پاسخگویان (۵۱ درصد) بین سه تا چهار میلیون درآمد داشته‌اند؛ همچنین تنها ۱ درصد پاسخگویان (۳ نفر) وضعیت مالی خود را خیلی بد و بیش‌تر پاسخگویان (۶۹ درصد) وضعیت خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در تحلیل یافته‌های جمعیت‌شناختی تحقیق می‌توان گفت مقادیر این متغیرها موید افزایش سن ازدواج در کلان شهر تهران، کاهش میزان باروری و تمرکز بیش‌تر جمعیت متأهل و در گروه سنی بالقوه فعال، در راستای رشد و توسعه مادی و اقتصادی است. هم‌چنین چون اغلب پاسخگویان در این نمونه زنان می‌باشند، گرایش بیش‌تر زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور به تحصیلات دانشگاهی در سال‌های اخیر و فراهم شدن فرصت‌های شغلی بیش‌تر به‌ویژه در کلان شهرها، می‌تواند تأییدکننده افزایش سن ازدواج، کاهش فرزندآوری و از سویی تمرکز این جمعیت تأثیرگذار بر رشد فردی و داشتن فعالیت اقتصادی هم‌تراز با مردان باشد.

هم‌چنین نتایج حاصل از توصیف پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۱ پاسخگویان نشان می‌دهد بیش‌تر پاسخگویان (۶۰ درصد) در نمونه مورد بررسی دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا، و کم‌ترین (۳/۲ درصد) دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین بودند. این ارقام مبین این مطلب است که متناسب با فرآیند جهانی‌شدن و نیز دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات به‌ویژه اینترنت در شهرهای بزرگ، شاهد تغییراتی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و متعاقب آن فرهنگی خواهیم بود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها از بین رفتن سلسله مراتب اقتدار و لایه‌لایه شدن جامعه است؛ این روند منجر به فراهم‌سازی فرصت‌های جدید برای کسب دانش و دستیابی به رفاه و رشد اقتصادی در اکثریت جمعیت بالقوه فعال جامعه شده است.

درخصوص وضعیت پاسخگویان پیرامون استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، در ابتدا نوع شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده‌ی آن‌ها مورد پرسش قرار گرفته است. بر اساس نتایج به‌دست آمده مشخص شد که پاسخگویان به ترتیب از شبکه‌های تلگرام (صددرصد)، اینستاگرام (۹۵ درصد)، فیس‌بوک (۴۱ درصد)، واتساپ (۳۰ درصد)، توییتر (۸ درصد) و فیس‌نما (کم‌تر از یک درصد) استفاده نموده‌اند. طبق بررسی‌های انجام شده هیچ کدام از پاسخگویان از کلوب یا سایر شبکه‌های اجتماعی استفاده نکرده‌اند. از این رو بیشترین مخاطب مربوط به شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام می‌باشند؛ این مطلب مبین آن است که این دو شبکه اجتماعی ضمن ایجاد تکنولوژی جذاب و فرامتنی و نیز دسترسی فراگیر و آسان برای کاربران، توانسته‌اند زمینه جدیدی را برای انواعی از تعاملات اجتماعی، ابراز عقاید و سبک زندگی، ارتباطات و مبادلات تجاری، اطلاع‌رسانی و افزایش تحرک اجتماعی افراد فراهم نمایند؛ این در حالی است که شبکه‌های مجازی بومی فاقد چنین ویژگی‌هایی می‌باشند. هم‌چنین پاسخگویان به‌طور میانگین ۳ ساعت در روز (با انحراف معیار ۱/۴۱)، ۲۴ ساعت در هفته (با انحراف معیار ۱۰/۴۶) و ۹۱ ساعت در ماه (با انحراف معیار ۴۳/۹۶) از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

۱- شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان از ترکیب ۴ مؤلفه‌ی میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و وضعیت مالی خانواده ساخته شده است.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

هم‌چنین یافته‌های حاصل از توزیع فراوانی هدف پاسخگویان از استفاده شبکه‌های اجتماعی مجازی در بخش‌هایی چون: تعامل با دوست مخالف، تعامل با دوست هم‌جنس، خرید و فروش اینترنتی، کسب اطلاعات و استفاده تفننی (شامل تفریح، هیجان و سرگرمی) نشان داده است که ۳۶ درصد پاسخگویان به میزان کم برای تعامل با دوست مخالف، ۴۱ درصد به میزان متوسط برای تعامل با دوست هم‌جنس، ۵۲ درصد به میزان متوسط برای خرید و فروش اینترنتی، ۴۸ درصد به میزان متوسط برای کسب اطلاعات و ۴۴ درصد به میزان زیاد برای تفریح، هیجان و سرگرمی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. پس هدف اصلی آن‌ها برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تفریح، هیجان و سرگرمی و به میزان کم‌تر تعامل با دوست مخالف است.

جدول (۴): محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمیته	پیشینه
اعتیاد به فضای مجازی	۲/۸۲	۰/۶۰	۰/۳۶	۱/۲۰	۴/۲۰
دین‌داری	۳/۶۶	۰/۷۳	۰/۵۳	۱/۸۰	۴/۸۰
صمیمیت	۳/۳۱	۰/۶۲	۰/۳۸	۱/۸۳	۴/۶۷
ازخودبیگانگی	۳/۴۲	۰/۷۵	۰/۵۶	۱/۲۵	۵/۰۰
پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها	۳/۷۸	۰/۶۹	۰/۴۷	۲/۳۳	۵/۰۰
سلامت شخصیتی و روانی	۳/۳۷	۰/۶۴	۰/۴۱	۱/۴۰	۵/۰۰
تعارضات زناشویی	۲/۸۴	۰/۶۷	۰/۴۵	۱/۱۷	۴/۴۲

در جدول شماره ۴ میانگین و سایر مشخصه‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق که محور مدل‌سازی نیز قرار گرفته‌اند، آورده شده است. از آن‌جا که سنجش این متغیرها با طیف لیکرت بوده است بنابراین میانگین آن‌ها در بازه ۱-۵ محاسبه شده است. نتایج حاصل از تحلیل توصیفی جدول فوق نشان می‌دهد، میانگین اعتیاد به اینترنت ۲/۸۲ و در حد متوسط به پایین، دین‌داری ۳/۶۶ در حد بالا، صمیمیت ۳/۳۱ در حد متوسط، از خودبیگانگی ۳/۴۲ در حد متوسط، پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها ۳/۷۸ و در حد بالا، سلامت شخصیتی و روانی ۳/۳۷ و در حد متوسط و تعارضات زناشویی نیز ۲/۸۴ و در حد پایین به دست آمده است. نکته حائز اهمیت در یافته‌های فوق آن است که علیرغم تحولات و تغییرات ناشی از تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ساختار خانواده شهری، لیکن کارکردهای خانواده در مواردی چون پایبندی به ارزش‌های دینی و سنت‌های خانوادگی به قوت خود باقیست.

یافته‌های تبیینی؛ قبل از ورود به سنجش روابط بین متغیرهای اصلی و بررسی اولیه فرضیات، بایستی نرمال‌بودن متغیرهای اصلی مدل بررسی گردد. برای این کار از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول (۵): آزمون بررسی نرمال بودن متغیرهای اصلی مدل تحقیق

متغیرها	مقدار کولموگروف اسمیرنف	سطح معناداری
اعتیاد به فضای مجازی	۱/۳۱۳	۰/۰۶۴
دین‌داری	۲/۳۳۸	۰/۰۰۷
صمیمیت	۱/۲۵۲	۰/۰۸۷
ازخودبیگانگی	۱/۶۰۷	۰/۰۹۶
پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها	۲/۲۱	۰/۰۸۸
سلامت شخصیتی و روانی	۱/۵۴۲	۰/۰۷۲
تعارضات زناشویی	۱/۷۷۳	۰/۰۷۳

بر اساس جدول شماره ۵ مشخص است که سطوح معناداری آزمون نرمال بودن بالاتر از ۵ درصد است و بنابراین می‌توان گفت متغیرهای اصلی پژوهش نرمال هستند. محقق می‌تواند از آزمون‌های پارامتریک همچون پیرسون و مدل‌سازی استفاده نماید. با توجه به این که فرضیات محقق به صورت رابطه‌ای است، در ابتدا لازم است که روابط مطرح در فرضیات بررسی شود. آن چنان که آمد متغیرها نرمال و کمی هستند، پس برای آزمون فرضیات از آزمون پیرسون استفاده شده است. جدول شماره ۶ آزمون همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین متغیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی و تعارضات زناشویی، میزان پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها، میزان دین‌داری، احساس ازخودبیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی زوجین و سلامت شخصیتی و روانی زوجین را نشان می‌دهد:

جدول (۶): بررسی آزمون پیرسون رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعارضات زناشویی زوجین

متغیر	آماره‌های بررسی شده	تعارضات زناشویی	میزان پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها	میزان دین‌داری	احساس ازخودبیگانگی	صمیمیت زناشویی	سلامت شخصیتی و روانی
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی	مقدار همبستگی	۰/۶۵	-۰/۵۸	-۰/۵۷	۰/۵۸	-۰/۶۳	-۰/۴۸۸
	مقدار احتمال	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
	تعداد	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳

بر اساس جدول فوق مقدار سطوح معناداری آزمون در تمام موارد کمتر از ۵ درصد خطا بوده و لذا تمام روابط معنادار هستند. بر این اساس می‌توان گفت بین متغیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعارضات زناشویی و همچنین احساس ازخودبیگانگی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. به این معنا که فرضیه محقق تأیید و فرضیه آماری رد شده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به تعارضات زناشویی و احساس ازخودبیگانگی در زوجین می‌شود. از سوی دیگر بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها، میزان دین‌داری، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی زوجین رابطه منفی و لذا معکوس وجود دارد.

جدول شماره ۷ نیز رابطه همبستگی پیرسون بین متغیرهای پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها در زوجین، میزان دین‌داری در زوجین، میزان ازخود بیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی با تعارضات زناشویی را نشان می‌دهد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

جدول (۷): نتایج آزمون پیرسون رابطه بین تعارضات زناشویی و متغیرهای متغیرهای مستقل

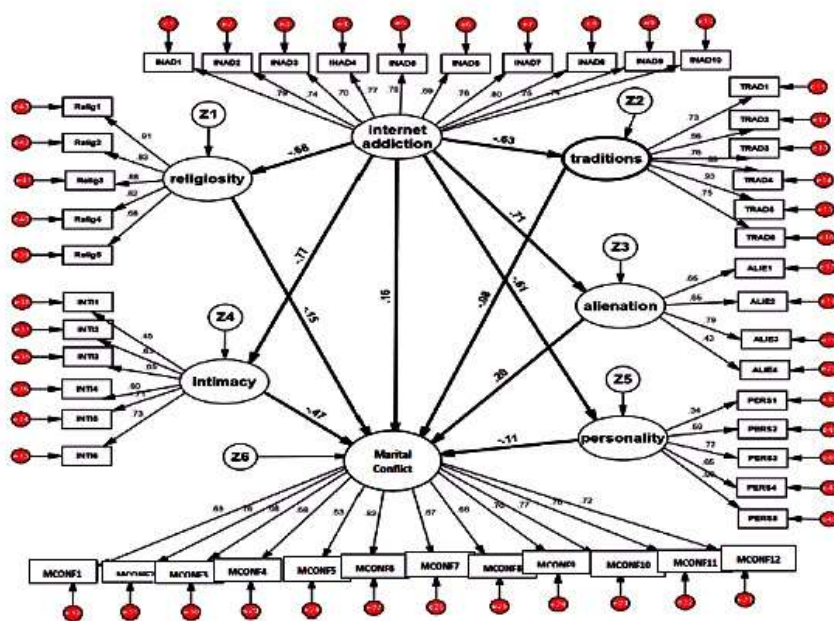
تعارضات زناشویی		
متغیر	مقدار همبستگی	مقدار احتمال
پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها در زوجین	-.۷۵	۰/۰۰۱
میزان دین‌داری در زوجین	-.۷۲	۰/۰۰۱
میزان ازخودبیگانگی در زوجین	۰/۷۴	۰/۰۰۱
صمیمیت زناشویی	-.۸۰	۰/۰۰۱
سلامت شخصیتی و روانی	-.۶۱۳	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول فوق مقدار سطح معناداری آزمون حاضر کمتر از ۵ درصد خطا بوده و لذا روابط معنادار می‌باشد. می‌توان گفت بین پابندی به سنت‌ها و ارزش‌ها در زوجین، میزان دین‌داری در زوجین، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی با تعارضات زناشویی رابطه منفی و لذا معکوس وجود دارد. از سوی دیگر، بین میزان ازخودبیگانگی در زوجین و تعارضات زناشویی به میزان (۰/۷۴) رابطه‌ای مثبت و لذا مستقیم وجود دارد.

در مجموع و در تحلیل یافته‌های فوق می‌توان گفت با توجه به فرض نظری تحقیق مبنی بر آن که خانواده ایرانی تحت تأثیر تکنولوژی‌های جدید و رسانه‌های مجازی، برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا این که کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آن‌ها با چالش مواجه شده است، وقوع تعارضات زناشویی دور از انتظار نیست. از این رو، تمامی فرضیات محقق قابل تأیید است، این بدان معنا است که هر چه اعتیاد و وابستگی زوجین به شبکه‌های مجازی بیشتر باشد یا به تعبیری خانواده از کارکرد سنتی و اجتماعی خود بیشتر فاصله گرفته باشد، تعارضات زناشویی و ازخودبیگانگی در زوجین بیشتر و نیز میزان صمیمیت زناشویی، پابندی به سنت‌های خانوادگی، دین‌داری و سلامت روانی کاهش پیدا می‌کند. از سوی هر یک از متغیرهای واسط ازخودبیگانگی، صمیمیت زناشویی، پابندی به سنت‌های خانوادگی، دین‌داری و سلامت روانی بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی تأثیرگذارند؛ بدین صورت که با افزایش ازخودبیگانگی در زوجین، میزان تعارضات افزایش و با کاهش سایر متغیرهای واسط فوق‌الذکر، بر میزان تعارضات زناشویی افزوده می‌شود.

هم‌چنین به منظور بررسی مدل نظری تحقیق از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار متناظر با آن AMOS استفاده شده است. روش مدل‌سازی معادلات ساختاری ضمن آنکه ضرایب مجهول مجموعه معادلات ساختاری خطی را برآورد می‌کند برای برازش مدل‌هایی که شامل متغیرهای مکنون، خطاهای اندازه‌گیری در هر یک از متغیرهای وابسته و مستقل، علیت دوسویه، هم‌زمانی و وابستگی متقابل می‌باشد طرح‌ریزی گردیده است. اما این روش را می‌توان به‌عنوان موارد خاصی برای روش‌های تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل رگرسیون چندمتغیری، تحلیل مسیر، مدل‌های اقتصادی خاص، داده‌های وابسته به زمان، مدل‌های برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر برای داده‌های مقطعی / طولی، مدل‌های ساختاری کوواریانس و تحلیل چندنمونه‌ای (مانند آزمون فرضیه‌های برابری ماتریس کوواریانس‌ها، برابری

ماتریس همبستگی‌ها، برابری معادلات و ساختارهای عاملی و غیره) نیز به کار برد (هومن، ۱۳۸۴). پس از رسم مدل مطابق با شکل (۱) در نرم‌افزار AMOS مدل زیر با مقادیر تأثیر به‌دست آمده است:



شکل (۲): خروجی مدل AMOS در خصوص فرآیند تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی زوجین

در مدل فوق سه نوع متغیر وجود دارد: متغیرهای پنهان که متغیرهای اصلی پژوهش است، متغیرهای آشکار که گویه‌های پرسشنامه است و متغیرهای خطا که به رنگ قرمز نمایش داده شده است. همچنین در مدل فوق مقادیر بارهای عاملی و مقادیر تأثیر هر متغیر مستقل بر وابسته آورده شده است. شرح این مدل به‌صورت زیر است:

جدول (۸): بررسی مدل AMOS در خصوص فرآیند تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی زوجین

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار تأثیر		خطای تخمین	مقدار t	مقدار احتمال
		Beta	B			
اعتیاد اینترنتی	دین‌داری	-.۰۶۸	-.۰۹۶	.۰۰۷	-۱۳/۳۷	.۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	پایبندی به سنت‌ها	-.۰۶۳	-.۰۹۰	.۰۰۸	-۱۰/۹۱	.۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	صمیمیت	-.۰۷۷	-.۰۵۹	.۰۰۷	-۸/۲۳	.۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	ازخودبیگانگی	.۰۷۱	.۰۸۶	.۰۰۸	۱۰/۶۸	.۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	سلامت روانی	-.۰۶۱	-.۰۳۲	.۰۰۶	-۵/۵۹	.۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	تعارضات زناشویی	.۰۱۶	.۰۱۷	.۰۰۸	۲/۱۶	.۰۳۱
ازخودبیگانگی	تعارضات زناشویی	.۰۲۰	.۰۱۷	.۰۰۴	۴/۵۲	.۰۰۱
دین‌داری	تعارضات زناشویی	-.۰۱۵	-.۰۱۱	.۰۰۳	-۴/۲۹	.۰۰۱
صمیمیت	تعارضات زناشویی	-.۰۶۳	-.۰۴۳	.۰۱۰	-۶/۳۲	.۰۰۱
سلامت روانی	تعارضات زناشویی	-.۰۱۱	-.۰۲۲	.۰۰۸	-۲/۶۷	.۰۰۸
پایبندی به سنت‌ها	تعارضات زناشویی	-.۰۰۸	-.۰۰۵	.۰۰۲	-۲/۲۲	.۰۰۲

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

با توجه به شکل شماره ۲ و نیز مقادیر جدول فوق می‌توان گفت که اعتیاد اینترنتی به میزان $(-0/68)$ بر دین‌داری، به میزان $(-0/63)$ بر پابندی به سنت‌ها، به میزان $(-0/77)$ بر صمیمیت، به میزان $(0/71)$ بر ازخودبیگانگی، به میزان $(-0/61)$ بر سلامت روانی و به میزان $(0/16)$ بر تعارضات زناشویی مؤثر است. همچنین از خودبیگانگی به میزان $(0/20)$ ، دین‌داری به میزان $(-0/15)$ ، صمیمیت به میزان $(-0/47)$ ، سلامت روانی به میزان $(-0/11)$ و پابندی به سنت‌ها نیز به میزان $(-0/08)$ بر تعارضات زناشویی مؤثر است. این بدان معناست که با افزایش میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، تعارضات زناشویی در زوجین افزایش می‌یابد؛ همچنین هرچه به میزان این اعتیاد افزوده شود، صمیمیت زناشویی، دین‌داری، پابندی به سنت‌ها و سلامت روانی زوجین کاهش و از خو بیگانگی در آن‌ها افزایش می‌یابد و در نتیجه میزان تعارضات زناشویی افزایش پیدا می‌کند. لازم به توضیح است که مقادیر تأثیر به‌دست آمده در مدل‌سازی با مقادیر ارتباطی در آزمون پیرسون متفاوت است اما با توجه به ارائه مدل در تحقیق، استفاده از روش مدل‌سازی بهینه است. در جدول زیر نیز مقادیر تأثیر غیرمستقیم آورده شده است:

جدول (۹): بررسی تأثیر غیر مستقیم اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی

متغیر مستقل	متغیر واسطه	مقدار تأثیر غیرمستقیم
اعتیاد اینترنتی	دین‌داری	0/10
	پابندی به سنت‌ها	0/05
	صمیمیت	0/36
	ازخودبیگانگی	0/14
	سلامت روانی	0/07

بر اساس جدول فوق مشخص است که اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای پنج‌گانه نیز بر متغیر تعارضات زناشویی مؤثر است. ولی به ترتیب بیش‌ترین تأثیر تا کم‌ترین تأثیر به واسطه صمیمیت (به میزان $0/36$)، ازخودبیگانگی (به میزان $0/14$)، دین‌داری (به میزان $0/10$)، سلامت روانی (به میزان $0/07$) و پابندی به سنت‌ها (به میزان $0/05$) بر متغیر وابسته مؤثر است.

برازندگی مدل‌ها در مدل‌سازی معادلات ساختاری توسط شاخص‌های بسیاری انجام می‌شود که مهم‌ترین آن شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب ($RMSEA^1$) است که مقادیر آن در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۱۰): بررسی آزمون برازندگی مدل نظری تحقیق

Model	RMSEA	90LO	90HI	PCLOSE
Default model	0/073	0/071	0/076	0/000
Independence model	0/170	0/167	0/172	0/000

1- Root Mean Square Error of Approximation

بر اساس جدول فوق، مقدار آماره «ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب» کم‌تر از ده درصد و به میزان (۰/۰۷۳) می‌باشد. این مقدار نشان از برازندگی کامل مدل پژوهش دارد.

در تحلیل یافته‌های حاصل از آزمون مدل نظری می‌توان بیان کرد که متغیر مستقل اعتیاد اینترنتی بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی به میزان ۰/۱۶ دارای تأثیر است و این به این معناست که افزایش یک واحد اعتیاد اینترنتی منجر به افزایش معادل ۰/۱۶ واحد در تعارضات زناشویی می‌گردد. از سویی متغیر مستقل اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای پنج‌گانه صمیمیت زناشویی، پابندی به سنت‌ها، دین‌داری، سلامت روانی و از خود بیگانگی بر متغیر تعارضات زناشویی مؤثر می‌باشد و نتایج حاصل از آزمون برازش مدل بیانگر این است که الگوی ارتباط اعتیاد اینترنتی (با ۱۰ گویه)، به‌عنوان متغیر مستقل و با تأثیر متغیرهای واسطه صمیمیت زناشویی (با ۶ گویه)، پابندی به سنت‌ها (با ۶ گویه)، دین‌داری (با ۵ گویه)، سلامت روانی (با ۵ گویه) و از خودبیگانگی (با ۱۰ گویه) با متغیر وابسته تعارضات زناشویی (با ۱۲ گویه)، منطبق با الگوی حقیقی داده‌هاست. ضرایب به‌دست آمده نیز از یک طرف بیانگر اثر مستقیم اعتیاد اینترنتی بر از خودبیگانگی و متعاقب آن بر تعارضات زناشویی است و از طرف دیگر اثر معکوس اعتیاد اینترنتی بر صمیمیت زناشویی، پابندی به سنت‌ها، دین‌داری، سلامت روانی و به‌دنبال آن بر تعارضات زناشویی می‌باشد. نکته حائز اهمیت آن است که در فرآیند تأثیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی بر تعارضات زناشویی به‌واسطه متغیرهای واسطه فوق‌الذکر، متغیر صمیمیت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)، بیش‌ترین تأثیر را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن و گسترش فعالیت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، خانواده را بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی قرار داده است. امروزه با خانواده شبکه‌ای، خانواده اطلاعاتی، خانواده دانش‌محور، خانواده دموکراتیک و خانواده و فردی^۱ روبرو هستیم. در گذشته خانواده با تعدد کارکردها مواجه بود؛ اما در حال حاضر چنین نیست، کارکردهای آموزش به مدرسه سپرده شده است و رسانه‌های جمعی نیز بسیاری از کارکردهای جامعه‌پذیری را بر عهده دارند. هم‌چنین کارکردهای نظارتی خانواده نیز رو به کاهش است؛ به این ترتیب، می‌توان گفت که خانواده ایرانی از دو نظر دچار انقباض تدریجی شده است: کمی و کیفی (ساروخانی، ۱۳۹۳). روان‌شناسان معتقدند پیوند عاطفی که یکی از مؤلفه‌های خانواده‌های منسجم است، در اثر استمرار فضای گفتگو و تبادل نظر میان اعضا شکل می‌گیرد؛ اما رسانه‌های جمعی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی به اشکال گوناگون، پیوندهای عاطفی در خانواده را مخدوش می‌کنند و به آن آسیب

1- individualized

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

می‌رسانند. پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که هر اندازه ارتباط میان همسران به دلیل تغییر مخاطب کاهش یابد، پیوند عاطفی، هیجانی و نیز همگونی شناختی میان اعضای خانواده نیز کاهش می‌یابد که این موضوع، انسجام خانواده را به خطر می‌اندازد. اصطلاح «بیوهی اینترنتی» به همسر معتاد به اینترنت اطلاق می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی نظام خانواده و در نهایت طلاق بینجامد (گندمی، ۱۳۸۹). استفاده روزافزون کاربران از شبکه‌های مجازی در ایران مسأله‌ای بدیهی است و به طور گریزناپذیری، زوجین در مواجهه با اینترنت و فضای مجازی تأثیرپذیری زیادی دارند و این تأثیرپذیری بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی آن‌ها اثر گذاشته است که نتایج تحقیق حاضر نیز این موضوع را تأیید می‌کند. از این رو، به منظور بررسی تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در شهر تهران، مطالعات نظری انجام و با تکیه بر رویکرد ترکیبی و مبتنی بر نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز تلاش گردید تا تبیینی جامعه‌شناختی از موضوع مورد مطالعه ارائه شود.

نتایج تحقیق نشان داد هرچه اعتیاد زوجین به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌تر باشد، ناسازگاری و تعارض در آن‌ها بیش‌تر است. طبق نظریه کارکردگرایی پارسونز از مهم‌ترین اهداف خانواده دستیابی به رضایت رابطه‌ای می‌باشد؛ از سویی مطابق با نظریه وابستگی در صورت بروز اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل این‌که کاربر وقت بسیار زیادی را صرف استفاده از این رسانه می‌کند، تمام گفتگوهای خانوادگی و روابط عاطفی را از دست می‌دهد و خود را با افراد خانواده بیگانه احساس می‌کند؛ در نتیجه خانواده از رسیدن به اهداف مورد نظر دور می‌شود. بر اساس نظریه صمیمیت نیز کاهش تدریجی رضایتمندی در روابط اعضای خانواده منجر به گسست روانی و عاطفی در خانواده و افزایش تعارضات زناشویی می‌شود. این نتیجه با نتایج حاصل از تحقیقات داخلی جلالی و حاجی اربابی (۱۳۹۴)، اسکندری و درودی (۱۳۹۵)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۶) و نیز تحقیقات خارجی روجویی (۲۰۱۲)، هند و همکاران، (۲۰۱۳)، (مک دانیل و کوئن، ۲۰۱۴)، (آیدن و همکاران، ۲۰۱۸) و (گال و همکاران، ۲۰۱۹) هماهنگی دارد.

از سوی دیگر نتایج نشان داد هرچه اعتیاد به شبکه‌های مجازی بیش‌تر باشد، پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها کاهش می‌یابد، با تضعیف پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها، تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد. طبق نظریه بازاندیشی گیدنز یکی از مهمترین پیامدهای مدرنیته که با فرآیند جهانی‌شدن نیز تشدید شده است، بازاندیشی در باب سنت و ارزش‌های پیشین جامعه می‌باشد و در نهایت مطابق با نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز وقتی قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، کارکرد یگانگی و انسجام خانواده مختل و زمینه بروز تعارضات زناشویی فراهم می‌شود. همچنین طبق یافته‌های به‌دست آمده مشخص شد که با افزایش اعتیاد به شبکه‌های مجازی، میزان دین‌داری در زوجین کاهش یافته و با کاهش دین‌داری در زوجین، تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد.

براساس دیدگاه کارکردگرایی پارسونز با کاهش دین‌داری در زوجین، نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای خانواده باز می‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به‌وجود آمدن کمترین اختلافی، برای گسستن این پیوند آماده می‌گردند. این نتیجه با نظریه سیر تحول جامعه از دید سوروکین و دیدگاه اودری پیرامون نقش دین به‌عنوان عاملی در کاهش تعارضات زناشویی منطبق است.

نتایج حاکی از آن است که هر چه بر اعتیاد به شبکه‌های مجازی افزوده شود، میزان از خودبیگانگی نیز افزایش می‌یابد و هر چه از خودبیگانگی در زوجین تقویت شود، تعارضات زناشویی نیز بیش‌تر می‌شود. مطابق با نظریه ایده‌آلیستی لرنر تجربه‌ی «زندگی دوّم»^۱ برای کاربر در فضای مجازی منجر به اختلال در کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی می‌شود؛ تنش ایجاد شده در تقابل با جهان مجازی، بی‌هنجاری در روابط زوجین و تقویت بیگانگی عاطفی، نظام روابط خانواده را سست نموده و زمینه افزایش تعارضات زناشویی را فراهم می‌سازد. در خصوص رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های مجازی و سلامت شخصیتی و روانی زوجین، نتایج نشان داد که هرچه اعتیاد به شبکه‌های مجازی بیش‌تر باشد، میزان سلامت روانی زوجین کاهش می‌یابد و افزایش تعارضات زناشویی را در بر خواهد داشت. ارتباط مجازی از طریق اینترنت محملی برای گریز از واقعیت و وسیله‌ای برای ارضای نیازهای هیجانی و روانی بوجود می‌آورد. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز هم‌چون ماده مخدر عمل می‌کند و فرد بدون دسترسی به آن بسیار پرخاشگر می‌شود و تنها با در اختیار داشتن و استفاده از آن احساس آرامش خواهد کرد. این نتیجه با نتایج تحقیقات داخلی (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴)، (شکریگی، ۱۳۹۶)، (نخشی‌پور و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷) و نیز تحقیقات خارجی (ون لی و همکاران، ۲۰۱۳) و (لی و همکاران، ۲۰۱۶) و (گال و همکاران، ۲۰۱۹) منطبق است.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نشان داد متغیر مستقل خالص اعتیاد اینترنتی از طریق متغیرهای مستقل و واسطه‌ای صمیمیت زناشویی، سلامت شخصیتی و روانی، از خودبیگانگی، دین‌داری و پایبندی به ارزش‌ها و سنت‌ها با متغیر وابسته خالص تعارضات زناشویی دارای ارتباط است و به ترتیب بیشترین تأثیر تا کمترین تأثیر به‌واسطه صمیمیت، از خودبیگانگی، دین‌داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها می‌باشد. با استناد به این که مدل نظری محقق از برازش کاملی برخوردار است می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که جهانی‌شدن، افزایش ارتباطات و نفوذ اینترنت بیشترین اختلال را در کارکرد عاطفی و روانی نظام خانواده وارد نموده و به‌عبارتی دیگر بیش‌ترین میزان تعارضات مرتبط با تعارضات عاطفی بین زن و شوهر است و این وضعیت مانع رسیدن به هدف رضایت رابطه‌ای در زوجین می‌شود. استفاده از رسانه‌های

نویسنده چون شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به افزایش توقعات و انتظارات، مصرفی شدن خانواده‌های شهری گردیده و با خود ارزش‌های تازه‌ای را به همراه داشته است که روی‌گردانی از داشتن فرزند بیشتر، تأخیر فرزندآوری زنان به‌خاطر توجه به ارزش‌های فردی، نفی انحصارگرایی مردان در خانواده، آزادی زنان و اشتغال آنان از جمله ارزش‌های تغییر یافته در خانواده‌ها به‌واسطه تغییر سمت و سوی توقعات و نیازها بوده که در کلان شهری چون تهران شاهد آن هستیم؛ لیکن این تغییر در راستای همان تغییراتی است که گیدنز نیز بدان اشاره کرده است. این تغییر همان افزایش روزافزون و پررنگ‌شدن ویژگی رمانتیک افراد در زندگی زناشویی و اهمیت یافتن عنصر احساسات و عواطف است. از نظر گیدنز تا زمانی که زوجین از داشتن رابطه زناشویی با یکدیگر احساس رضایت متقابل داشته باشند، آن را ادامه می‌دهند و هر لحظه که این احساس در آن‌ها از بین برود، دلیلی برای تداوم رابطه ندارند. این‌گونه به‌نظر می‌رسد برخلاف گذشته، که افراد در هر وضعیتی تلاش می‌کردند رابطه زناشویی تداوم داشته باشد، امروزه این نگرش در حال تغییر است. امروزه ازدواج، برخلاف گذشته که هدف بود، بیش‌تر وسیله است، وسیله‌ای برای رسیدن به خوشبختی و بهبود کیفیت زندگی. از این رو افزایش میزان تعارضات عاطفی میان زوجین یکی از نشانه‌های اهمیت یافتن عشق و عاطفه در زناشویی به‌عنوان عنصری کانونی است.

از سویی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط همسران امری ساده و تک‌وجهی نیست. می‌توان گفت صرفاً استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان عامل دگرگونی نظام خانواده در ایران، نگاهی تقلیل‌گرایانه است؛ بنابراین دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد که این شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که بر تعارضات زناشویی تأثیرگذار بوده و آن را افزایش داده‌اند. در این تحقیق نیز ضریب تأثیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی بر تعارضات زناشویی به تنهایی و بدون اعمال متغیرهای واسطه در مدل ۰/۱۶ برآورد شد؛ می‌توان این‌گونه استدلال کرد که زوجین در بستر تغییراتی دچار اختلال در کارکرد و کیفیت روابط شده و به این شبکه‌ها گرایش پیدا کرده‌اند بدین‌صورت که وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی برخی پدیده‌ها و فرآیندها را که موجب تحول خانواده در ایران شده است، تسهیل و زمینه ایجاد تغییرات اجتماعی - فرهنگی را فراهم کرده است. مدل ارائه شده محقق نیز نشان داد متغیر مستقل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از طریق متغیرهای مستقل و واسطه‌ای صمیمیت زناشویی، سلامت شخصیتی و روانی، ازخودبیگانگی، دین‌داری و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها با متغیر وابسته تعارضات زناشویی دارای ارتباط می‌باشد و ضرایب تأثیر به‌دست آمده از یک طرف بیان‌گر اثر مستقیم اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ازخودبیگانگی و متعاقب آن بر تعارضات زناشویی است و از طرف دیگر اثر معکوس این اعتیاد بر صمیمیت زناشویی، پایبندی به سنت‌ها، دین‌داری، سلامت روانی و به‌دنبال آن بر تعارضات زناشویی است و به ترتیب بیش‌ترین تأثیر تا کم‌ترین تأثیر به‌واسطه صمیمیت، ازخودبیگانگی، دین‌داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها می‌باشد و در این بین متغیر صمیمیت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)،

بیشترین تأثیر را دارد. می‌توان گفت اگر به هر دلیل کیفیت روابط عاطفی بین زوجین نامطلوب باشد آن‌ها شبکه‌های اجتماعی مجازی را به‌عنوان یک جایگزین و محل فرار انتخاب می‌کنند و چرخه‌ی تقویت و تشدید تعارضات زناشویی از یک‌سو و اعتیاد به شبکه‌های مجازی از سوی دیگر منتهی به جدایی زوجین از یکدیگر خواهد شد.

از این رو با دگرگون‌شدن بسترهای زندگی اجتماعی و خانوادگی در عصر حاضر، نمی‌توان از نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط درون خانوادگی و سبک زندگی افراد غافل ماند. یافته‌های این پژوهش نیز موید آن است که بین کمیت و کیفیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات ارزشی مخاطبان ارتباط معناداری برقرار است؛ نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر نشان داد استفاده تفننی از شبکه‌های مجازی در درازمدت منجر به کاهش صمیمیت زوجین می‌شود و از سوی اعتیاد به شبکه‌های مجازی در شکل‌گیری و تسریع فرآیند بازاندیشی در زوجین، تغییر ارزش‌ها و اختلال در کارکرد عاطفی و روانی زوجین و افزایش میزان تعارضات زناشویی مؤثر می‌باشد؛ از این رو، موارد زیر در قالب مهندسی فرهنگی در سطح جامعه برای خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱- شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی نمی‌توانند جای ارتباط چهره به چهره را در مناسبات ارتباطی بگیرند. پس رویکرد خانواده‌ها باید با کاهش استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و استفاده مهار یافته از آن‌ها در جهت اهداف قابل کنترل، سامان یابد و در شرایطی که معنای ضمنی آن عدم توجه به حضور همسر است، عدم استفاده یا حداقل استفاده از شبکه‌های اجتماعی جایگزین گردد.

۲- اگر فرهنگ استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تقویت آموزه‌های دینی در سطح جامعه افزایش پیدا نکند، میزان تعارضات در زندگی زناشویی به مقدار زیادی افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان با دو مؤلفه دین و فرهنگ ایرانی در مقابل تغییرات منفی متأثر از جهانی‌شدن مقابله کرد و با تولید و انتقال ارزش‌ها و اعتقادات از طریق استفاده از رسانه‌های مختلف من جمله فضای مجازی، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زوجین را تقویت و از این طریق به افزایش انسجام خانوادگی و کاهش تعارضات زناشویی مبادرت نمود.

۳- با توجه به این که کاهش ارتباطات عاطفی عامل کشیده‌شدن بدون حد و مرز زوجین به‌سوی دنیای مجازی و فضایی غیر از فضای گرم خانواده می‌باشد؛ پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از مشاوران و متخصصان حوزه خانواده در خانه‌های سلامت و سراهای محلات به‌منظور ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی، آموزش مهارت‌های ابراز عشق و محبت، آموزش نقش و تأثیر ابراز محبت در زندگی زناشویی، تشویق زوجین به اختصاص دادن زمان بیشتر به ابراز محبت و . . .، زوجین را در زمینه ابراز محبت بیش‌تر و رسیدن به تعارضات سازگاری زناشویی کمتر یاری نمایند.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

۳- با دگرگون‌شدن بسترهای زندگی اجتماعی و خانوادگی در عصر حاضر، حضور و فعالیت در اینترنت و فضای مجازی به یکی از نیازهای روزانه افراد جامعه مبدل شده است؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی مرتبط، اقدامات فرهنگی و ایجابی گسترده‌ای هم‌چون فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی در جهت آشنایی افراد به‌ویژه زوجین، با مضرات استفاده از این شبکه‌ها داشته باشند تا از این طریق سواد رسانه‌ای را در خانواده‌ها گسترش داده و هر خانواده ایرانی با خیالی آسوده بتواند از فناوری‌های نوین ارتباطی استفاده کند و از گزندهای آن نیز در امان باشد.

۴- تجربه نشان داده است که سیاست فیلترینگ و برخورد سلبی و قهری با شبکه‌های اجتماعی، بدترین راه‌حل برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن است؛ از این رو، تلاش در جهت ایجاد جایگزین برای این شبکه‌ها به‌گونه‌ای که با مختصات فرهنگی و دینی جامعه ما سازگار باشد و امکان کنترل و نظارت بیش‌تری بر آن باشد و از طرفی از نظر محتوایی و ساختاری سالم بوده و جذابیت بالایی داشته باشد تا بتواند با نمونه‌های غربی رقابت کند، امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

منابع

- اسکندری، حسین؛ درودی، حمید. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره پانزده، شماره ۳۳.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بستان، حسین. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پیکانیان، راضیه؛ فرهادی، هادی. (۱۳۹۵). بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به‌عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه‌ی شهر اصفهان. پژوهش‌های علوم‌شناختی و رفتاری، سال هفتم، شماره ۱.
- جلالی، محترم؛ حاجی اربابی، فاطمه. (۱۳۹۴). رابطه اعتیاد به اینترنت با تعارضات زناشویی. همایش ملی روان‌شناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی. چاپهار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد چاپهار.
- چیل، دیوید. (۱۳۸۸). نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه‌ی محمدمهدی لیبی، تهران: افکار.
- خجیر، یوسف؛ حسین‌نظر، فائزه. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی خانواده ایرانی در عرصه شبکه‌های مجازی. مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

- ذکایی، سعید. (۱۳۸۳). جوانان و فراغت مجازی. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۶.
- رحیمی، محمد؛ شکرپیگی، عالیه؛ ساروخانی، باقر؛ حضرتی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸.
- روشه، کی. (۱۳۶۶). تغییرات اجتماعی. ترجمه‌ی منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- رضاپور، رویا؛ ذاکری، محمدمهدی؛ ابراهیمی، لقمان. (۱۳۹۶). پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). دانشنامه ارتباطات ۱ (جامعه‌شناسی ارتباطات، اصول و مبانی). تهران: انتشارات اطلاعات.
- ستوده، هدایت‌الله؛ بهاری، سیف‌الله. (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی خانواده». تهران: ندای آریانا.
- سگالن، مارتین. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سورین، ورنز؛ تانکاره، جیمز. (۱۳۸۸). نظریه‌های ارتباط جمعی. ترجمه‌ی علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
- شکرپیگی، عالیه. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هجدهم، شماره ۲.
- گندمی، زینب. (۱۳۸۹). بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان کاشان سال تحصیلی ۸۸-۸۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ ملک‌پور شهرکی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر ازم‌گسیختگی خانواده در شهر کرد. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره چهارم، شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵: <https://www.amar.org.ir>
- مک کوئیل، دنیس. (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه‌ی پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی . . .

- مک‌کی، هیو؛ رینولدز، پال؛ میلیز، وندی. (۱۳۸۶). تحقیق در جامعه اطلاعاتی. ترجمه‌ی رامین کریمیان، تهران: دفتر مطالعات توسعه رسانه.
- مولایی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی آنلاین و گسترش سبک زندگی جهان وطنانه. جامعه اطلاعاتی، شماره‌های ۲۲ و ۲۳.
- نخشی‌پور، ابراهیم؛ ابراهیم‌پور، داوود. (۱۳۹۷). رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه. فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال دهم، شماره ۳۹.
- نعیمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: نشر سمت.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۹۲). شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۲، شماره ۷.

- Aydın, Betül; Volkan Sarı, S; Şahin, M. (2018). The Effect of Social Networking on the Divorce Process. *Universal Journal of Psychology*, 6(1): 1-8.

- Dew, J. , & Tulane, S. (2015). The Association Between Time Spent Using Entertainment Media and Marital Quality in a Contemporary Dyadic National Sample. *J Fam Econ Iss*, 36:621-632.

- Gull, Hina; Iqbal, Z; Al_Qahtani, S. H; Alassaf, R, A; Kamaleldin, M, M. (2019). Impact of Social Media Usage on Married Couple Behavior a Pilot Study in Middle East. *International Journal of Applied Engineering Research ISSN 0973-4562 Volume 14, Number 6*, pp. 1368-1378.

- Hand, M, M. Thomas, D. Buboltz, W, C. Deemer, E, D. & Buyanjargal, M. (2013). Facebook and Romantic Relationships: Intimacy and Couple Satisfaction Associated with Online Social Network Use. *CYBERPSYCHOLOGY, BEHAVIOR, AND SOCIAL NETWORKING*, Volume 16, Number 1.

- Li, D. Zhang, W. Li, X. Zhou, W. Zhao, L. & Wang, W. (2016). Stressful life events and adolescent Internet addiction: The mediating role of psychological needs satisfaction and the moderating role of coping style, *Computers in Human Behavior*, 63.

- Li, W. Garland, E, L. & Howard, M, O. (2014). Family factors in Internet addiction among Chinese youth: A review of English- and Chinese-language studies, *Computers in Human Behavior*, 31.

- Mashek, Debra J. , Sherman, Michelle D. (2008). *Desiring Less Closeness With Intimate Others*, Retrieved from *handbook of Closeness and Intimacy*, London, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, Mahwah, New Jersey. This edition published in the Taylor & Francis e-Library.

- McDaniel, B. T. , & Coyne, S. M. (2014). Technoference: The interference of technology in couple relationships and implications for women's personal and relational well-being, *Psychology of Popular Media Culture*.
- Rujoiu, M. (2012). The influence of social network on attitude toward conflict in couple. (PhD Thesis) Babeş-Bolyai University.
- Udry. R. (1971). *Social control of marriage*, New York, P. 456.